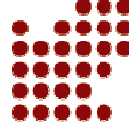


عنوان جزوه:

جنبش نرم افزاری



مقام معظم رهبری (حفظهم الله)

شماره جزوه: ۱۴



مقدمه:

پیام جنبش نرم‌افزاری که از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در آغاز بیست و پنجمین سالگرد انقلاب اسلامی مطرح گردید، به سرعت در بین نفیسان علمی و فرهنگی فراگیر شد و به تدریج گفتمان غالب در نسل دوم انقلاب را تحت تأثیر خود قرار داد. تلاش‌های پیوسته و گریخته در «موزه و دانشگاه» و به‌ویژه استقبال پرشور نسل جوان از آرمان‌های جنبش، نشان از یک فلا جدی در فضای علمی و فرهنگی کشور دارد.

اولین گام در تحقق این ایده، شکل‌گیری ادبیات جامع و کارآمد نسبت به این موضوع حساس و ضروری در جامعه علمی و فرهنگی کشور است. از اینرو توجه کامل به بیانات معظم له رهبری در این موضوع، امری ضروری است. مزو حاضر تنها بخش اندکی از دیدگاه مقام معظم رهبری در موضوع جنبش نرم‌افزاری می‌باشد که تقدیم اعضای متمرکز اتحادیه می‌گردد.

واحد آموزش و تحقیقات اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

آبان‌ماه ۱۳۸۸



جنبش نرم افزاری از دیدگاه

رهبری



۱ - هدف جنبش نرم افزاری

۱ / ۱ - رسیدن به تمدن اسلامی

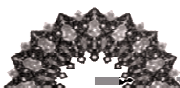
«سرنوشت حتمی عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند. خطی که نظام اسلامی ترسیم میکند خط رسیدن به تمدن اسلامی است.» (۱۴/۷/۱۳۷۹)

«این کشور باید ساخته بشود. این کشور باید پیش برود. این ملت بزرگ بایست استعدادهایش شکوفا بشود، بایستی در دنیا بدرخشد. و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و نشان بدهد. ما هنوز اول راه هستیم؛ ما در ابتدای راهیم، انقلاب، موانع را برداشت، ما را به راه انداخت، ما راه افتادیم؛ حالا هنوز اول راهیم.»

(۲۷/۱/۱۳۷۷)

۱ / ۲ - رسیدن به الگوهای اسلامی

«ما نمی توانستیم از کسانی الگو بگیریم که نظام های آنها را غلط و بر خلاف مصالح بشریت می دانستیم. بحث تعصب مذهبی و دینی و جغرافیایی مطرح نبود؛ بحث این بود



در مسائل داخلی به سرعت هماهنگ
بشود. خیلی از مشکلات باید برطرف
بشود و این زمینه به هر حال وجود
دارد». (۲۵/۵/۱۳۷۹)

۱/۴ - تحقق استقلال علمی

«چند سال پیش، اول بار در دانشگاه امیر
کبیر، مسأله‌ی جنبش نرم‌افزاری را مطرح
کردم و آن یعنی اینکه در زمینه‌ی علم،
تولید علم و شکستن مرزهای علم، یک
جنبش و یک حرکت عظیم به وجود
بیاید. از این پیشنهاد استقبال شد و من
امروز میبینم که در سخنان اساتید و
مسئولان دانشگاه‌ها روی این نکته تکیه
میشود. البته تا مدتی بعضی‌ها می‌گفتند ما
نمی‌دانیم اصلاً معنای این حرف چیست!
عده‌ای هم شبهه می‌کردند که علم مگر
تولید کردنی است؟! البته بحث لغوی
میکردند و می‌گفتند چرا گفته‌اید تولید
علم؟! شما هر چه می‌خواهید اسمش را
بگذارید؛ مقصود که معلوم است. جنبش
نرم‌افزاری، یعنی در معرفت علم ننشینید
دست خود را دراز کنید تا دیگران بکارند
و میوه چینی کنند و هر مقدار از میوه را که
لازم نداشتند، بیاورند در دست شما

که پایه‌هایی که نظام‌های شرقی
کمونیستی آن روز بر آنها بنا شده بود که
امروز در دنیا دیگر چنین هویتی وجود
ندارد همچنین پایه‌هایی که نظام‌های
غربی بر آنها بنا شده بود، پایه‌های غلطی
بود؛ لذا ما نمی‌توانستیم و نمی‌خواستیم از
آنها الگو بگیریم».

(۲۳/۲/۱۳۷۹)

۱/۳ - تبدیل ایران به قدرت بین

المللی

«اگر ما برنامه‌ریزی کنیم (که لابد هم
مقدمات و زمینه‌های این برنامه‌ریزی
علی‌القاعده در وزارت خارجه وجود
دارد) میتوان فرض کرد که ایران
اسلامی را به یک قدرت حقیقی منطقه
ای و بتدریج به یک قدرت حقیقی بین
المللی تبدیل کنیم؛ یعنی این زمینه
امروز در کشور ما وجود دارد؛ در
گذشته در پیش از انقلاب این زمینه
وجود نداشت؛ امروز هست؛ به خاطر
همین چیزهایی که عرض کردم. البته
این فقط نمیتواند در میدان و حوزهی
سیاست خارجی باشد؛ باید با تلاش
علمی و فنی و عملی و اداری و مدیریتی



بگذارند. برو بکار، برو آبیاری کن، برو روی بنایی که دیگران ساخت هاند، بساز؛ این هدف ما بود. عده ای میگفتند ما نمیفهمیم! الان هم از گوشه و کنار شنیده ام که عده ای سخنان یأس آفرین می زنند: مگر ما می توانیم؟ بله، می توانیم. ما در میدانهای گوناگون و در فضای معرفت علمی امروز دنیا میتوانیم کارهایی بکنیم که هنوز در دنیا نو باشد؛ این در همه ی زمینه ها کاملاً امکان پذیر است».

(۱۷/۱۰/۸۳).

۱/۵ - احیای تمدن اسلامی

«قضیه بنای یک نظام اسلامی و یک تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، یک قضیه جدی برای این ملت است. آن را جدی بگیرید. یک وقت است که در یک کشوری یکی کودتا میکند و یک نظامی سرکار می آید، چند صباحی هست و بعد هم می رود و همه چیز به حال اول بر می گردد، یا کس دیگری از او تحویل می گیرد. او این همه نقل ندارد ولی مسأله ما، مسأله حرکت عظیم در مقیاس جهانی است».

(۱۲/۸/۷۲).

۲ - ضرورت جنبش نرم افزاری

۲/۱ - پاسخ به نیاز امروز بشر

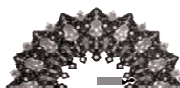
«امروز نظام اسلامی، هویت، هدف و توانایی نظام غربی را مورد سؤال قرار داده است و برترین متفکران غربی، به تدریج کسل کننده بودن نظام غربی را ابراز می کنند و آن را بر زبان می آورند. بر همین اساس، تمدنی که با رنسانس آغاز شد، امروز به نقطه پایانی خود نزدیک میشود. بشر امروز در پی یافتن یک جایگزین برای نظام غربی است و گرایش به سوی اسلام در ایالات متحده آمریکا، اروپا و آفریقا از همین امر ناشی میشود».

(۳/۵/۱۳۷۴)

۲/۲ - انفعال و محافظه کاری علمی،

آفت انقلاب

«بنده طرفدار دانشگاهی هستم که اصولی، انحصارطلب، رو به مردم، فعال و از لحاظ علمی و فکری پرنشاط باشد. هرگز من، دانشگاه و دانشگاهی را به محافظه کاری و اکتفاء به آنچه که امروز از فکر و فرهنگ



جایگاه برتر فکری و عملی نظام اسلامی را
بار دیگر به اثبات برسانند» (۱۹/۶/۱۳۸۰)

۲/۴ - لزوم نواندیشی در حوزه و دانشگاه

«یکی از وظایف مهم دانشگاهها عبارت
است از نواندیشی علمی. مسأله تحجر فقط
بلای محیط های دینی و افکار دینی
نیست. در همه محیط ها، تحجر، ایستایی و
پایبند بودن به جزمی گرایی هایی که بر
انسان تحمیل شده - بدون این که متعلق
درستی به دنبال باشد - یک بلاست. آنچه
که برای یک محیط علمی و دانشگاهی،
وظیفه آرمانی محسوب میشود، این است
که در زمینه مسائل علمی نواندیش باشد».

(۹/۱۲/۱۳۷۹)

«آن چیزی که در فضای علمی ما مشاهده
میشود - که به نظر من یکی از عیوب
بزرگ محسوب میگردد - این است که
دهها سال است که ما متون فرنگی و
خارجی را تکرار می کنیم، می خوانیم،
حفظ می کنیم و بر اساس آنها تعلیم و
تعلّم می کنیم، اما در خودمان قدرت
سؤال و ایجاد خدشه نمی یابیم. باید متون
علمی را خواند و دانش را از هر کسی فرا

و معرفت در دست دارند، توصیه نمی کنم؛
نه؛ دانشگاه باید دائم نردبان تعالی را طی
کند، پیش رود. من معتقدم محافظه کاری
و اکتفاء به آن چه که داریم و نداشتن
همت و بلندپروازی در همه زمینه های
فکری و فرهنگی، قتلگاه انقلاب است.

(۱۹/۱۲/۱۳۷۹)

۲/۳ - اتهام ناکارآمدی

«یکی از مهمترین این مسائل این است که
امروز بیشترین تلاش خصمانه مصروف آن
می شود که نظام اسلامی در اندیشه و
عمل، متهم به ناکارآمدی شود.

پیکاری وسیع در زمینه های اقتصاد،
سیاست، فرهنگ و اندیشه از سوی مراکز
استکباری در جریان است تا نظام اسلامی
در افکار عمومی کشورهای مسلمان و نیز
در نظر ملت ایران، به ناتوانی متهم شود و
درخشش و جذابیت خود را از دست
بدهد. اکنون از سوئی، دولتمردان
جمهوری اسلامی و از سوئی متفکران و
اندیشه وران انقلاب، خود را موظف
دانسته اند تا در بخش مربوط به خود، با
این هدف شیطانی مقابله کنند و به یاری
خداوند، استحکام و آسیب پذیری و



گرفت، اما علم در روند تعالی خود، با روحهای قوی و استوار و کارآمدی که جرأت پیشبرد علم را داشته باشند، همراه شود تا بتواند پیش برود. انقلاب های علمی در دنیا این گونه به وجود آمده است.»

(۹/۱۲/۱۳۷۹)

۳- استراتژی جنبش نرم افزاری

۱ / ۳- بیدار کردن عقل جمعی

«برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علماء و صاحب نظران» تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن سازی و جامعه پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود.»

(پاسخ مقام معظم رهبری به نامه دانش آموختگان حوزه - بهمن ۸۱)

۲ / ۳- ارائه راههای تازه

«باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما

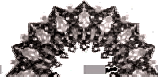
بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها در نظر بعضی مثل وحی منزل است و نمی شود درباره اش اندکی تشکیک کرد، در کارگاه های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حلایمی کنند؛ روی آنها سؤال بگذارند، این جزمیتها را بشکنند و راههای تازه پیدا کنند. هم خودشان استفاده کنند هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است. امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است.» (بهمن ۱۳۸۱)

۴- گستره جنبش نرم افزاری

۱ / ۴- نرم افزارهای دینی

- فقه و فقاها

«گشودن آفاق و گستره های جدید در امر فقاها لازم است. چه دلیلی دارد که بزرگان و فقاها و محققان ما نتوانند این کار را بکنند؟ حقیقتاً بعضی از بزرگان این زمان و نزدیک به زمان ما، از لحاظ قوت علمی و دقت نظر، از آن اسلاف کمتر



اینها با هم متفاوت است؛ حتی در استنباط حکم فقهی هم تفاوت‌هایی به وجود می‌آید، حتی در مسأله طهارت و نجاست، حتی در مسایل شخصی، یک وقت به عنوان جزئی از مجموعه اداره کننده فرد و جامعه در حاکمیت اسلام مطرح می‌شود، یک وقت هم نه، مجرد از مجموعه اسلام و فقط به عنوان یک حکم برای یک فرد مطرح است، می‌باشد. ای کاش فضیلتی روشن بین بنشینند، تفصیل این تفاوتها را برای پژوهشگران خود حوزه های علمیه تشریح کنند. در دوران حاکمیت اسلام، دین عبارت از مجموعه مسایل زندگی است، سیاست هم جزو آن است. اداره ی حکومت هم جزو آن است. مسایل ارتباط خارجی و موضع گیری های مسلمانان در مقابل جناح های مختلف دنیا هم جزو آن است. مسایل اقتصادی هم جزو همین مجموعه است، و رعایت اخلاق در امور مختلف زندگی هم جزو آن است. دین، یک مجموعه است شامل مسایل شخصی و فردی، مسایل اجتماعی، مسایلی که

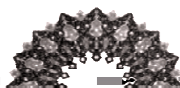
دسته جمعی باید انجام بگیرد، مسایلی که ولو اجتماعی است ولی یک یک افراد میتوانند آن را انجام بدهند، مسایلی که مربوط به سرنوشت دنیا یا سرنوشت آن کشور است، میشود».

(۱۳/۱/۷۶)

«فقاہت، یعنی شیوه استنباط. خود این هم به پیشرفت احتیاج دارد. این که چیز کاملی نیست، بلکه متکامل است. نمی شود ادعا کرد که ما امروز دیگر به اوج قله فقاہت رسیده ایم و این شیوه، دیگر بهتر از این نخواهد شد. نه، از کجا معلوم است؟ شیخ طوسی ملای به آن عظمت، فقاہت داشت. فتاوی ایشان را در یک مسأله فقهی ببینید. امروز کدام مجتهد حاضر است آن گونه بحث کند؟ آن فتاوا ساده و سطحی است. مجتهد امروز، هرگز راضی نمیشود که آن طور کار کند و استنباط نماید. فقاہت در دوره های متعدد تکامل پیدا کرده است».

(آذر ماه ۱۳۷۴).

«در حوزه ها باید روح تطوّر علمی و



فقهی وجود داشته باشد. حالا یک وقت به قدر فتوا آماده نمیشود. خوب؛ نشود. بحث علمی را بکنند. من میبینم گاهی چند نفر در یک بحث فقهی، حرف جدیدی را مطرح میکنند. بعد، از اطراف به اینها حمله میشود که «شما چرا این حرف را زدید؟» در این اواخر، بعضی از فقهای فاضل خوب دارای فکر نو، بعضی از حرف ها را مطرح کردند، که مطرح کردنش ایرادی ندارد. در حوزه علمیه، باید طاقت شنیدن حرفهای جدید، زیاد باشد. ولو به حدی نرسد که این فقیه فتوا بدهد. ممکن است دیگری، چیزی بر آن بیفزاید، فتوا بدهد.»

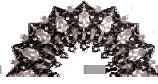
(۲۰/۶/۷۳)

- کلام

«اگر از کلام صحبت میکنیم، فوراً ذهن به نوشتن چهار کتاب کلامی نرود. کار حوزه انتشار کتابهای بیشتر نیست، بلکه تولید فکر تکاملی است. چنانچه تولید افزایش یافت، نوبت به نشر هم میرسد. نشر، مسأله دوم است.» (۱۶/۹/۷۴)

- فلسفه

«فلسفه هم اگرچه در حوزه ها رایج است، اما درحقیقت باید گفت که مهجور است. فلسفه باید در حوزهها رواج پیدا کند. فلسفه فقط این نیست که ما کتاب منظومه یا اسفار را بگیریم و از اول تا آخر بخوانیم؛ نه، تبحر در فلسفه به این معناست که ما بتوانیم از تمام افکار فلسفی موجود دنیا - که به شکل ساعت نگاری پیش میرود و ساعت به ساعت فکر فلسفی مطرح میشود - و از ماده ی فلسفه ی موجود خودمان مطلع باشیم و در مقابل فلسفه های غلط و انحرافی، خودمان را در حال آماده باش نگهداریم و احیاناً اگر نقطه ی مثبتی در آنها هست، از آن نقطه ی مثبت استفاده بکنیم. فلسفه ی ما این طوری پیشرفت میکند؛ والا در حد شناخت افکار و کلامات بزرگان به این اندازه ارزشی ندارد. فلسفه باید ما را به معرفت کامل برساند. باید دید دروادی معرفت در سطح بشری، چهکار دارد میشود. بایستی پیدری کارهای جدید، افکار جدید، روشها و متدهای جدید در



حوزه مطرح بشود». (۳۱/۶/۱۳۷۰)

«تشکیل نظام اسلامی که داعیه‌دار تحقق مقررات اسلامی در همه صحنه‌های زندگی است، وظیفه‌های استثنائی و بیسابقه بر دوش حوزه علمیه نهاده است، و آن تحقیق و تنقیح همه مباحث فقهی ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره هر یک از بدنه های نظام اسلامی بدان نیازمند است. فقه اسلام آنگاه که اداره زندگی فرد و جامعه با آن گستردگی و پیچیدگی و تنوع را مطمح نظر میسازد... و آن را از نظر مقررات و جهت گیری های مورد نیازش، غنی میسازد، حوزه فقاقت را نیز جامعیت و غنا میبخشد. روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت، و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی - یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی - امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است که نظم علمی حوزه، امید برآمدن آن را زنده میدارد».

(۲۶/۸/۱۳۷۱)

- سایر علومهای اسلامی

«از شورای محترم مدیریت حوزه علمیه قم میخوام هم با اطلاع و مساعدت «مراجع بزرگوار و محترم و با همکاری و مشارکت اساتید و محققین برجسته حوزه برای بالندگی بیشتر فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و سایر موضوعات تحقیق و تألیف دینی و نیز فعال کردن نهضت پاسخ به سؤالات نظری و عملی جامعه تدارک چنین فرضی را ببینند».

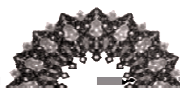
(پاسخ مقام معظم رهبری به نامه دانش

آموختگان حوزه - بهمن ۸۱)

۲ / ۴ - نرم افزار علمی

- علوم انسانی

«ما بخصوص در زمینه ی علوم انسانی ، برخلاف آنچه که انتظار میرفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم ، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم حالا چه در زمینهی اقتصاد و چه در زمینهی جامعه شناسی ، روانشناسی و



صنعتی و فنی به نظر بیاید - که در این دانشگاه هم بیشتر مورد توجه است - اما من به طور کلی و مطلق این را عرض میکنم، علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم اقتصادی و مسائل گوناگونی که برای اداره یک جامعه و یک کشور به صورت علمی لازم است، به نوآوری و نواندیشی علمی - یعنی اجتهاد - احتیاج دارد». (۹/۱۲/۱۳۷۹)

«پایه و مبنای علوم انسانی ای که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته های علوم انسانی بر مبنای یک معرفت ضد دینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه ها باید کار کنیم. در زمینه ی علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه های نو و گشودن افق های جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد؛ توقع این است.»

(۲۶/۹/۱۳۸۳)

سیاست را به شکل وحی مُنزل از مراکز و خاستگاه های غربی گرفته ایم و به صورت فرمول های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده ایم و بر اساس آن می خواهیم عمل و برنامه ی خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمولها جواب نمی دهد و خراب درمی آید، خودمان را ملامت میکنیم که ما درست به کار نگرفته ایم! در حالی که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه ی علوم انسانی، احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم که به معنای حقیقی کلمه مواد و مفاهیم اساسی که بر اساس آن میتوان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخشهای اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فرآوری کرد، در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. البته در این قسمت حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام میتوانند با جستجو و تفحص، نقش ایفاء کنند؛ این جا از آن جاهایی است که ما باید به تولید علم برسیم.»

(۸/۸/۱۳۸۲)

«البته وقتی از علم صحبت میشود، ممکن است در درجه اول، علوم مربوط به مسائل



- علوم پایه و تجربی

«من بر پیشنهاد می افزایم که این ایده ... تنها محدود به برخی قلمروهای فکر دینی یا علوم انسانی و اجتماعی نیز نماند بلکه در کلیه علوم و رشته های نظری و عملی (حتی علوم پایه و علوم کاربردی و ...) و در جهت حمایت از کاشفان و مخترعان و نظریه سازان در این علوم و در فنون و صنایع نیز چنین فضایی پدید آید».

(پاسخ مقام معظم رهبری به نامه دانش آموختگان حوزه - بهمن ۸۱)

۳ / ۴ - نرم افزارهای اجرایی

- الگوی اداره جامعه

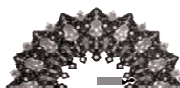
«ما نظامی را به وجود آوردیم؛ تفکری را به میدان نظام سیاسی و اجتماعی آوردیم. بر اساس آن، همه ی دستگاه های خودمان را و اطراف قضایا را تجهیز کردیم و نخواستیم چیزی را قبول کنیم. البته نمیخواهم ادعا کنم که ما هیچ الگوی بیگانه را قبول نکردیم و نپذیرفتیم؛ نه،

بعضی از الگوها را قبول کردیم، به خاطر این که در آنها حسنی مشاهده کردیم؛ بعضی از الگوها را قبول کردیم، به خاطر این که نتوانستیم خودمان را از آنها خلاص کنیم؛ یعنی بر ما تحمیل شده که مطمئناً این نوع دوم باید در برنامه قرار بگیرد که اینها را ارائه کنیم و از مجموعهی کار خودمان بزدایم».

(۲۵/۵/۱۳۷۹)

- قوانین و برنامه ها

«حالا این پیشرفت در کجاست؟ این تحولی که میگوییم باید به وجود بیاید، این حرکت به جلو در کجا است؟ در همه مناطق مربوط به زندگی جامعه. قوانین، تحول پیدا میکند و باید روز به روز بهتر و کامل تر شود. در فرهنگ و در اخلاق عمومی مردم، روز به روز بایستی تحول بشود و پیشرفت حاصل گردد. در نظام علمی و آموزشی کشور، در فعالیتهای اقتصادی، در هنر، در امور حکومت و اداره کشور، حتی در حوزه های علمیه



وحد: آفرین و تقویت اخلاقی جامعه اسلامی دانشجویان

بایستی انسانهای با فکر و شجاع و روشن بین روز به روز روشهای جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و آرمانهای جدید را دنبال کند.» (۲۳/۲/۷۹)

«مطلب اول این است که نظامی بر اساس اسلام تحقق پیدا کرده است و موفقیت و عدم موفقیت آن در دنیا و تاریخ، به حساب اسلام گذاشته خواهد شد؛ چه من و شما بخواهیم و چه نخواهیم این نظام، بر محور تفکرات اسلامی بنا شده و بایستی بر محور مقررات و بینشهای اسلامی اداره بشود. این تفکرات و بینشها و مقررات، در کجا بایستی تحقیق و تنقیح بشود؟ این استفهام ها، در کجا باید پاسخ داده بشود؟ اگر حوزه ی علمیه ی قم که امور در کشور ما و بلکه در عالم تشیع، مادر و محور حوزه های علمیه است و در درجه ی بعد بقیه ی حوزه ها، تنقیح و تبیین مقررات و احکام و معارف اسلامی را - که نظام با آنها حرکت خواهد کرد - به عهده نگیرند، چه کسی باید به عهده بگیرد؟ حوزه ها بایستی این مسؤولیت را احساس بکنند.

«حوزه، تاکنون این مسؤولیت را به

صورت مستقیم بر عهده نگرفته است. من، این نکته را به صورت صریح عرض میکنم، غیرمستقیم به عهده گرفته است؛ ولی مستقیم نه. در حوزه ها کسانی هستند که کار و تلاش میکنند و از لحاظ فکری، مشکلات و گرههای نظام را با مباحث خود باز میکنند. کسانی از حوزهها مستخرج شدهاند و به سراسر کشور یا در داخل تشکیلات گوناگون نظام رفتهاند و کار میکنند؛ اما حوزه - به ماهی حوزه - هنوز تنظیم و تدوین مقررات اسلامی و نظام ارزشی اسلام و اخلاق عمومی را که ما میخواهیم ملت داشته باشد و متکی به مدارک قطعی شرع باشد و دیگر جای بحث و کیت و لعل و لمومیم نداشته باشد، متکفل نشده و الگوی زندگی اسلامی را ارایه نداده است. هی به ما میگویند: الگوی زندگی اسلامی را بدهید. چه کسی باید این کار را بکند؟ طبیعی است که حوزه باید در این جهت گام بردارد.» (۷/۹/۱۳۶۸)

۴/۴ - حوزه و دانشگاه

«وظیفه ی عمومی حوزه ها و وظیفه ی یکایک افراد و فضلا در حوزههای علمیه



و روحانیون آگاه روشنفکر و فاضل که در سراسر کشور هستند، وظیفه شان امروز این است که فکر اساسی و نظریه بنیادی مربوط به جمهوری اسلامی را که همان نظریه حاکمیت اسلام در همه ی امور زندگی و حیات بشری است با استدلال و منطق، با ملاحظه جوانب گوناگون این مسأله تبیین کنند».

(۱۹/۶/۱۳۸۰)

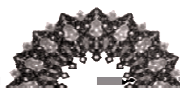
«امروز، حوزه علمیه از زمان خودش خیلی عقب است. حساب یک ذره و دو ذره نیست. مثل این است که دو نفر سوار بر اسب، در وادبای همراه یکدیگر بروند و یکی اسبش از دیگری تندتر باشد و آن که اسبش کندتر است، بعداً به اتومبیل دست پیدا کند. طبیعی است آن که اسبش تندتر است، به گرد او هم نمیرسد. الان وضعیت این گونه است. در حال حاضر، امواج فقه و فلسفه و کلام و حقوق، دنیا را فرا گرفته است. ما وقتی به خودمان نگاه میکنیم، میبینیم با زمان خیلی فاصله داریم». (آذر ماه ۱۳۷۴)

«حوزه های ما با وضع کنونی نمیتواند آن انتظارات را پاسخ دهد، مگر در آن برنامه ریزی شود و طرح نوینی افکنده و دنبال گردد». (۷/۹/۱۳۶۸)

«شما که به قول خودتان ام القرای اسلام هستید بیاید به ما کتاب های اسلامی بدهید. شما به آنها چه پاسخی خواهید داد؟ شما چه چیزی را ترجمه کرده یا نوشته اید که به آنها بدهید؟ باز هم مجبوریم بگویم آثار شهید مطهری (ره) را می دهیم. البته حقیقتاً آثار این بزرگوار بهترین آثار است؛ گویا، منطقی، دارای اول و آخر قوی و خوبی است. ولی آخر تا کی؟ ما باید بر حسب مناسبات و شرائط مختلف، کتاب تولید بکنیم».

(۲/۷/۱۳۷۱)

«در همه ی رشته های علوم، ما باید به معنای حقیقی کلمه، احساس عزت نفس، احساس مولد علم و فتوحات علمی ایجاد کردن را در خود به عنوان یک ملت و یک جامعه ی علمی به وجود بیاوریم. این کار کیست؟ یکی از مهمترین ارکانش



نوآوری دینی، این ژرف یابی و تحقیق و پژوهش نباشد، نتیجه همان یک جا ایستادن و در جا زدن و با دنیای پیرامون خود به تدریج بیگانه تر شدن خواهد شد. البته این نکته را هم ناگفته نگذارند من خواهش میکنم، به خصوص برادرانی که در زمینه ی مسائل فکری تحقیق میکنند، نگذارند خط هدایت دینی گم بشود».

(۱۵/۷/۱۳۷۹)

۲ / ۵ - التزام به منطق

«باید ایده ها در چارچوب منطق و اخلاق و در جهت رشد اسلامی با یکدیگر رقابت کنند و مصاف دهند تا جهان اسلام، اعاده هويت و عزت کند و ملت ایران به رتبه‌های جهانی که استحقاق آن را دارد بار دیگر دست یابد».

(پاسخ مقام معظم رهبری به نامه دانش آموختگان حوزه - بهمن ۸۱)

۳ / ۵ - رعایت اخلاق و آزادی

بیان مقید

انقلاب اسلامی آمد تا هم «فرهنگ خفقان و سرجنابیدن و جمود» و هم «فرهنگ آزادی بیمهار و خودخواهانه غربی» را نقد و اصلاح کند و فضایی

دانشگاه هاست» (۱۷/۱۰/۱۳۸۳).
«ما مشاهده میکنیم که در فرهنگ برخی از مردم ما در جاهایی در میدان هایی، جای تلاش و تن به آب و آتش زدن هست، اما در میدان علم چنین تلاشی را کانه معتقد نیست! این نمیشود. در میدان علم، بایست تن به آب و آتش زد، باید کار کرد. این یکی از مظاهر بسیج علمی است که عامل عمده اقدام هم میتواند همین مجموعه ی برادران مؤمن، برادران وخواهران مؤمنی باشد که در دانشگاه مشغول تعلیمند.» (۱۸/۷/۱۳۸۰)

۵ - چارچوبها

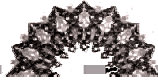
۱ / ۵ - تولید علم در چارچوب

اسلام

«بهترین راه، همین است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود».
(پاسخ مقام معظم رهبری به نامه دانش آموختگان حوزه - بهمن ۸۱)

«بدون تحقیق، بدون نوآوری، بدون ژرف یابی، انسان درهیچ مقوله ای نمیتواند به هدف های والا دست پیدا کند. اگر این

واحد آموزشی و تحقیقاتی تخصصی جامعه اسلامی دانشجویان



بسازد که در آن، «آزادی بیان» مقید به «منطق و اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران» و نه به هیچ چیز دیگری، تبدیل به فرهنگ اجتماعی و حکومتی گردد و حریت و تعادل و عقلانیت و انصاف، سکه رایج شود تا همه اندیشه ها در همه ی حوزه ها فعال و برانگیخته گردند و «زاد و ولد فرهنگی» که به تعبیر روایات پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) محصول «تضارب و آراء عقل» است، عادت ثانوی نخبگان و اندیشه وران گردد».

(پاسخ مقام معظم رهبری به نامه دانش آموختگان حوزه - بهمن ۸۱)

۶ - موانع و آسیبها

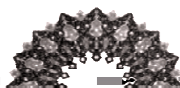
۶ / ۱ - مهمل گویی

«البته اشتباه نشود؛ من کسی را به آنارشیزم علمی و به مهمل گویی علمی توصیه نمیکنم. در هر زمینه ای، آن کسانی که از دانشی برخوردار نیستند، اگر بخواهند به خیال خودشان نوآوری بکنند،

به مهمل گویی میافتند. ما در زمینه ی برخی از علوم انسانی و معارف دینی داریم این را می بینیم. آدم های ناوارد بدون این که از ذخیره و سواد کافی برخوردار باشند، وارد میدان میشوند و حرف میزنند و به خیال خودشان نوآوری میکنند، که در واقع نوآوری نیست، مهمل گویی است» (۹/۱۲/۱۳۷۹)

۶ / ۲ - بدعت گذاری

«اساس انقلاب، مثل خود اسلام، بر احکام ثابت و احکام متغیر استوار است. یک سلسله احکام، تغییر ناپذیر است؛ یک سلسله احکام در شرایط گوناگون تغییر پیدا میکند؛ انقلاب هم همین طور است. اجتهاد، خصوصیتی است که این امکان را به یک مسؤول می دهد تا بتواند به اقتضای شرایط، روش ها و راه ها و تاکتیک های درست را انتخاب کند. البته انتخاب روش و اجتهاد برای پیدا کردن روش نو و مناسب، کار مجتهد است؛ این غیر از بدعتگذاری یک انسان ناوارد و تجدید نظر طلب است؛ این کار کسی



را بفرسایند و درگیری های غلط و منحط قبیله ای یا فرهنگ فاسد بیگانه را رواج دهند و در نتیجه صاحبان خرد و احساس، ساکت و مسکوت بمانند و صاحبان و خردمندان، بر کنار و در حاشیه مانده و منزوی، خسته و فراموش شوند».

(پاسخ مقام معظم رهبری به نامه دانش آموختگان حوزه - بهمن ۸۱)

۴ / ۶ - فرهنگ ترجمه گرائی

«ما این مشکل تاریخی را داریم و متأسفانه این مشکل در حکومت های وابسته و فاسد پیشین این کشور ریشه دارد و بلایی است که از ۱۵۰ سال پیش بر سر ما آمده و باید خود را بتدریج از این بلا رها کنیم؛ و آن این است که از اولی که پرتو علم جدید در این کشور افتاد، نخبگان آن روز کشور، به فکر ترجمه افتادند. نه فقط ترجمه ی آثار علمی، بلکه حتی فکر و اندیشه ی ترجمه ای؛ همه چیز به صورت آنچه دیگران انجام دادند و خود را در چارچوب قالب های آنها در آوردند. این گروه، مطلقاً جرأت ایجاد یک فضای جدید علمی را به خود ندادند. نه فقط گفتند علم را از آنها بگیریم، بلکه

است که قدرت اجتهاد در این کار را داشته باشد؛ نقش اجتهاد و مجتهد در نظام اسلامی به همین خاطر است. از آن طرف به بهانه ی تمسک به اصول، تحجر را نفی میکنیم و میگوییم نمیشود به بهانه ی تمسک به اصول، تحجر و ایستایی را بر انقلاب تحمیل کرد. اصولگرایی وجود دارد؛ اما این، تحجر و جزم اندیشی و نشاختن شرایط مختلف نیست. از این طرف، به بهانه ی اجتهاد و تحول، نباید به بدعت گذاری های ناشیانه و تجدید نظر طلبانه، اجازه ی فعالیت و تحرک مضر و مخرب داد» (۱۴/۳/۱۳۸۱)

۳ / ۶ - سیاست زدگی و سیاست زدائی

«متأسفانه گروهی بدنبال سیاست زدگی و گروهی به دنبال سیاست زدایی، دائماً تبدیل فضای فرهنگی کشور را به سکوت مرداب گونه یا تلاطم گرداب آور، می خواهند تا در این بلبشو، فقط صاحبان قدرت و ثروت و تریبون، بتوانند تأثیرگذار و جریان ساز باشند و سطح تفکر اجتماعی را پایین آورده و همه ی فرصت ملی را هدر دهند و اعصاب ملت

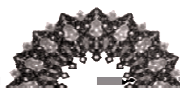


معتقد بودند باید فرهنگ و اخلاق و تفکرات و عقاید سیاسی و اجتماعی را هم از آنها بگیریم!» (۳/۷/۱۳۸۱)

۶/۵- انفعال پذیری

«می گویم تهاجم فرهنگی، عده ای خیال میکنند مراد من این است که مثلاً پسر، موهایش را تا اینجا بلند کند. خیال میکنند بنده با موی بلند تا اینجا مخالفم. مسأله ی تهاجم فرهنگی این نیست. البته بی بند و باری و فساد هم یکی از شاخه های تهاجم فرهنگی است؛ اما تهاجم فرهنگی بزرگتر ز این است که اینها در طول سال های متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی توانی، باید دنباله رو غرب و اروپا باشی. نمی گذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یک نظریه علمی داشته باشید - چنانچه بر خلاف نظریات رایج و نوشته شده ی دنیا باشد - عده ای می ایستند و می گویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه ی فلانی است؛ حرف

شما در روان شناسی، مخالف با نظریه فلانی است. یعنی آن طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی، همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب این جاست که آن نظریات، کهنه و منسوخ میشود و جایش نظریات جدیدی می آید؛ اما این ها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست میگیرند! دهها سال است که نظریات پوپر در زمینه های سیاسی و اجتماعی، کهنه و منسوخ شده و دهها کتاب علیه نظریات او در اروپا نوشته اند؛ اما در سالهای اخیر آدم هایی پیدا شدند که با ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! سالهای متمادی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده، حرفهای جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده ای هنوز وقتی میخواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات کهنه ی قدیمی نگاه میکنند! اینها دو عیب دارند: یکی این که



مقلدند، دوم این که از تحولات جدید بی خبرند؛ همان متن خارجی را که بر آنها تدریس کرده اند، مثل یک کتاب مقدس در سینه ی خود نگه داشته اند و امروز به جوان های ما می دهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه میکنند!» (۷/۱/۱۳۸۳)

«آن روزی که انقلاب پیروز شد، از کارخانجات حساس این کشور، جمع کثیری از بیگانه هایی که این جا بودند، رفتند؛ آن کسانی که کارشان این نبود که بیایند به مردم ایران علم و تکنولوژی بیاموزند؛ کارشان این بود که به عنوان یک صاحبکار بزرگ و به عنوان یک دانا بیایند، یک مشت آدم های زیر دست را از این کشور انتخاب کنند تا هم سرمایه ی کشور را ببرند، و هم کلید صنایع کشور در دست خودشان باشد. لذا اگر شما به نقشه ی صنعتی کشور نگاه کنید، خواهید دید که غربی ها و آمریکایی ها و بعضی از اروپایی ها این نقشه را به نحوی ترتیب داده بودند که اگر از این مملکت رفتند و دروازه های این مملکت به روی آنها بسته شد، ایرانی ها خودشان از پیشبرد و اداره ی

صنعت عاجز بمانند؛ یعنی عمداً حلقه های مفقوده ای در سلسله ی صنعت این کشور به وجود آورده بودند؛ با قصد این که این ملت هیچ نتواند روی پای خودش بایستد و کمر راست کند؛ می خواستند همیشه محتاج آنها باقی بماند. این طرز تفکر، در دانشگاه ها هم اثر میکند؛ علوم دانشگاهی هم بر اساس همین روش شکل میگیرد؛ مهندس ما هم مبتکر و سازنده و خلاق نمیشود. این کاری بود که آنها آن روز کردند، و مدت ها نتایج سوء آنها گریبانگیر کشور ما هم بوده، و شاید در آینده هم تا زمان هایی باشد.»

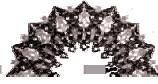
(حدیث ولایت، ج ۸، ص ۲۵۷ و ۲۵۸)

۷- راهکارها

۱ / ۷- شکستن تحجر و جزمیت

«باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را (که شکل و قالب غربی آنها در نظر بعضی مثل وحی منزل است و نمیشود درباره اش اندک تشکیکی کرد) در کارگاه های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حلایجی کنند؛ روی آنها سؤال بگذارند؛

واحد آموزشی و تحقیقاتی تخصصی جامعه اسلامی دانشجویان

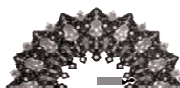


این جزمیت‌ها را بشکنند و راه‌های تازه‌ای پیدا کنند. هم خودشان استفاده کنند، هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است، امروز انتظار کشور ما از دستگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا آن کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب‌ها و نوآوری‌های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه‌ی مبتنی بر تفکرات و ارزش‌های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه، این را می‌خواهد».

(بهمنماه ۱۳۸۱)

«نکته‌ی آخر هم باز به مسائل علمی بر می‌گردد. مادر زمینه‌ی کارهای تحقیقاتی و درج مقالات علمی خود در مجلات I.S.I گاهی دچار مشکلات می‌شویم. البته همان‌طور که ذکر کردند، حجم مقالاتی که از ما چاپ شده، خوب است؛ اما من اطلاع دارم - بخصوص در زمینه‌ی علوم انسانی - که

بعضی از مجلات I.S.I اصلاً مقاله‌ی محقق ما را چاپ نمیکنند؛ چرا؟ به خاطر این که با مبانی آنها سازگار نیست. بله، ممکن است ما درباره فلسفه، روان‌شناسی، تربیت و دیگر مباحث حرف‌هایی داشته باشیم؛ پژوهشگر ما تحقیقی کرده و به نقطه‌ی رسیده - همان چیزی که ما می‌خواهیم - و مرزی را باز کرده که با خاستگاه این دانش - که غرب است و با ارزش‌های آن هماهنگ است - سازگار نیست؛ لذا مقاله را چاپ نمیکنند! این هم پاسخ ساده لوحی بعضی‌ها که خیال میکنند دنیای لیبرال - دموکراسی به معنای واقعی کلمه باز است و هر کس هر چه می‌خواهد، می‌تواند بگوید؛ نه، آنها حتی پژوهش علمی را هم با میزان کار می‌کنند! این، از جمله‌ی چیزهای هشدار دهنده و عبرت‌انگیز است. اگر شما اطلاع ندارید، تحقیق کنید؛ خواهید رسید به آنچه من عرض میکنم. ما شنیده بودیم که زمان استالین می



گفتند حکومت استالین به پژوهشگاه های علمی خود می گوید من این نتیجه را می خواهم در بیاورید! علم، آزاد نبود. البته این قضیه را هم امریکایی ها و غربی ها می گفتند. آن وقت ها ما یقین می کردیم که همین طور است. ولی الان بنده شک می کنم. از بس می بینم حرف های خلاف میزنند. می گویم شاید این هم تهمت به استالین بوده! می گفتند - راست یا دروغ - اگر یک کاوش علمی، نتیجه اش بر خلاف اصول دیالکتیک در می آمد، استالین این را قبول نمی کرد؛ می گفت باید طوری تحقیق کنید که به این نتیجه برسید! الان ما در دنیای لیبرال - دموکراسی این را به چشم خودمان داریم می بینیم؛ منتها به شکل مدرن و منظم و با نزاکت و اتوکشیده و کراوات بسته اش! تحقیق علمی پژوهشگر مسلمانی که در فلان موضوع بر خلاف چارچوب داوران I.S.I حرفی زده، قابل درج در آن مجله نیست! (۱۳۸۳/۱۰/۱۷)»

«تولید علم - یعنی شکستن مرزهای

علم و پیشرفت کردن - با تحصیل علم و تبحر در علم تفاوت دارد؛ ما اولی را نیاز داریم. نه این که به دومی نیاز نیست، اما دومی کافی نیست. این که نوشته و تحقیق و فرآورده ی ذهن دانشمندان در زمینه ی علوم مختلف - چه علوم انسانی، چه علوم تجربی - بیاید و خوب دانسته شود و همین ها محور تشخیص و معرفت نهایی انسان شود، چیز مطلوبی نیست. ما می بینیم که در زمینه های مختلف، تحقیق و پژوهش و رسیدن به نظریه در دنیای مادی و دنیای غرب، مبنای قابل قبول و مورد اعتمادی نبوده؛ به خصوص در زمینه ی علوم انسانی، که در علوم تجربی و در فناوری هم اثر خودش را نشان می دهد. نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت نویسی را در اختیار انسان می گذارد. این نگاه زیر بنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده. تحقیقات علمی در غرب، در ستیز با آنچه آن را دین می پنداشتند، آغاز شده. البته آنها حق



داشتند؛ دینی که رنسانس علیه آن قیام کرد و خط فکری و علمی دنیا را در جهت مقابل و مخالف آن ترسیم کرد، دین نبود؛ توهامات و خرافاتی بود با عنوان دین. دین کلیسایی قرون وسطایی، دین و معرفت دینی نبود. بدیهی بود که عقده ها و گره ها در ذهن دانشمندان و نخبگان و زندگان فکری باقی بماند و برایش راه علاج های ضد دینی و غیردینی پیدا کنند. لذا هنوز چگونگی کنار آمدن علم و دین برای آنها مسأله است».

(۲۶/۹/۷۳)

«تحجر این است که ، کسی که می خواهد کار بزرگی با این عظمت را انجام بدهد، نتواند نیازهای زمان و لوازم هر لحظه لحظه ی زندگی یک ملت را از قرآن بشناسد و بخواهد در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف، حکم نماید و کار کند و پیش برود. این امکان پذیر نیست. معنای تحجر آن است که، کسی که می خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای

بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را، در آن جایی که قابل کشش است، درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور - که نیاز لحظه به لحظه است - نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارایه بدهد. این، بلای بزرگی است.

اگر در رأس نظام های سیاسی ای که بر اساس اسلام یا تشکیل شده است، یا در آینده تشکیل خواهد شد، چنین روحیه ای وجود داشته باشد، یقیناً اسلام بدنام خواهد شد و نخواهند توانست منبع لایزال معارف و احکام اسلامی جامعه را به پیش ببرند».

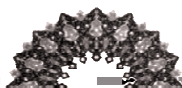
(۱۴/۳/۱۳۷۶)

۲ / ۷ - ایجاد کرسی های نظریه

پرداز، نقد و پاسخ به شبهات

«به نظر می رسد که هر سه روش پیشنهادی شما یعنی تشکیل:

- ۱- کرسی های نظریه پرداز ۲ - کرسی های پاسخ به سؤالات و شبهات ۳ -



کرسی های نقد و مناظره، روش های علمی کسانی خیال کنند این نظرات درست و معقول باشند و خوبست که حمایت و است؛ این عکس مطلوب، اثر خواهد مدیریت شوند بنحوی که هر چه بیشتر، گذاشت. نه؛ طرح نظرات فلسفی، مجال علم، گسترش یافته و فضا بر اجتماعی، سیاسی - آنها که یک نظریه دکانداران و فریبکاران و راهزنان راه علم و است - اشکالی ندارد».

(۵/۳/۱۳۷۷)

دین، تنگتر شود».

(پاسخ مقام معظم رهبری به نامه دانش آموختگان حوزه - بهمن ۸۱)

«مدعیان لیبرال دمکراسی با استفاده از علم و فن آوری و سیاست، تبلیغات و سرنیزه درصدد فتح جهان هستند و مهمترین روشی که در این راه مورد استفاده قرار میدهند، تئوری سازی و مفهوم سازی است که حوزه عملیه قم میتواند با اهتمام به نهضت نرم افزاری، نظریه پردازی و تولید علم به مقابله با این سلطه طلبی پردازد».

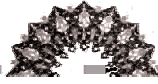
(۵/۱۰/۸۳)

۳ / ۷ - ایجاد فضای مناسب نقد و

بررسی نظریه ها

«جلوی نظرات غلط را نباید گرفت. نظرات غلط فلسفی، اجتماعی و گوناگون اشکالی ندارد که به داخل جامعه بیاید و نقد بشود؛ این خوب است. جلوگیری از نظرات غلط فلسفی موجب میشود که

«به نظر من درباب نظریه پردازی نباید محدودیتی وجود داشته باشد؛ بیشتر بایستی برای نقد و ارزیابی وجدان کردن سره از ناسره همت شود؛ اما در زمینه ی کار عملیاتی، باید جلوی کتاب های مضر را گرفت. ما کتاب عملیاتی داریم. کتاب عملیاتی این است که عملاً یک نفر را دچار مشکل میکند؛ مثل همان احساسات جنسی که اول گفتم؛ این جا بحث نظریه نیست. این کسی که خواند، خودش به طور طبیعی تحت تأثیر قرار می گیرد. جلوی این را باید گرفت؛ این اصلاً چیز قابل نقدی نیست. این ملاک است؛ یعنی آن نوشته یی که وقتی وارد بازار فرهنگ شد، مشغول عملیات میشود و قابل این نیست که به آن جواب داده بشود آن مضر است، بایستی جلوگیری را گرفت».



(۵/۳/۷۷)

۴ / ۷ - تقدیر و تشویق محققان

باید «تولید نظریه و فکر» تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود و در قلمروهای گوناگون عقل نظری و عملی، از نظریه سازان، تقدیر به عمل آید و به نوآوران، جایزه داده شود و سخنانشان شنیده شود تا دیگران نیز به خلاقیت و اجتهاد، تشویق شوند».

(پاسخ مقام معظم رهبری به نامه دانش آموختگان حوزه - بهمن ۸۱)

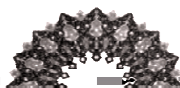
۷ / ۵ - مهندسی الگوی دینی و بومی

«ما امروز در باب اداره ی کشور به مسائلی برخورد میکنیم که مشکلات و معضلات دینی و فقهی ماست؛ ما پاسخ اینها رامی خواهیم؛ اما کسی جوابگو نیست. باید خودمان بنشینیم، یا آقای را ببینیم واز او بخواهیم، یا فرضاً بگوییم در کتاب ها بگردند و جواب این مسأله را پیدا کنند. باید دستگاهی آماده باشد و تمام مشکلات و معضلات نظام را پیش

بینی کند؛ نسبت به آنها فکر کند، راه حل ارائه کند و جواب و پاسخ آماده را برای آن آماده نماید. این، جزو وظایف حوزه های علمیه است؛ لذا متعلق به اسلام است و اسلام آن چیزی است که حوزه ی علمیه برای آن به وجود آمده است».

(۳۱/۶/۱۳۷۶)

«ما دنبال چه نوع توسعه ای هستیم ؟ این نکته ی اساسی ، در بحث های اقتصادی و غیراقتصادی جاری است . کسانی دنبال این هستند که حرفی را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی ، مدل ژاپنی ، مدل فلان . مدل توسعه در جمهوری اسلامی ، به اقتضای شرایط فرهنگی ، تاریخی ، موارث و اعتقادات و ایمان این مردم ، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است ؛ از هیچ جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی ، نه از صندوق بین المللی پول ، نه از فلان کشور چپ ، نه از فلان کشور راست ؛ هر جا اقتضایی



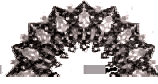
دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل های تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ. بنده می بینم گاهی بعضی از شیوه هایی که در زمینه های اقتصادی و فرهنگی و غیره پیشنهاد می شود، از دیگران گرفته شده؛ فلان متفکر فرنگی این طوری گفته، فلان متفکر کجایی این طوری گفته مثل این که به آیات قرآن استناد می شود! خیلی از شیوه ها منسوخ است؛ سی سال پیش، چهل سال پیش، پنجاه سال پیش تجربه شده، بعد یک روش بهتر آورده اند؛ ولی ما الآن می خواهیم از روش منسوخ آنها در آموزش و پرورش، در مسائل علمی، در کارهای دانشگاهی، در کارهای اقتصادی و در برنامه ریزی و بودجه بندی استفاده کنیم؛ نه، این درست نیست. از تجربه ها و دانش ها باید استفاده کرد، اما الگو و شیوه و مدل را باید کاملاً بومی و خودی انتخاب کرد».

(۲۷/۳/۱۳۸۳)

۶/۷ - نگاه توسعه مند به دانش و پژوهش

«آن سؤالی که شما مطرح کردید: «آیا

فاصله ی ما و کشورهای پیشرفته پر شده است یا نه؟»، من اعتقادم این است که بله، کاملاً پرشدنی است. البته ممکن است از همان راهی که آنها رفته اند، ما نتوانیم برویم پر کنیم؛ اماره های میان بر دنیا الی ماشاء الله وجود دارد. این طبیعت آفرینش را که خدا به وجود آورده، ما درست نشناخته ایم. هزاران راه وجود دارد. یک راه، همان راهی است که این تمدن صنعتی کنونی دنبالش رفته و پس از هر قدمی، قدم بعدی را به دنبال آورده است. ما چرا ناامید باشیم از این که دریچه ی جدیدی باز گردد و یک کشف تازه در دنیا بشود؟ یک روز الکتریسیته کشف نشده بود؛ یعنی در دنیا وجود داشت، اما آن را نمی شناختند؛ ناگهان شناختند و به دست آمد. بله، نیروی بخار را شناختند. قبل از آن، آتش را نمی شناختند؛ اما بعد شناختند. چرا ما ناامید باشیم از اینکه میتوان در این دنیا چیز ناشناخته ای را مجدداً شناخت؛ کما این که هر روز چیزهای ناشناخته ای دارد شناخته میشود. ما باید در این قسمت کار بکنیم و به راهی برسیم که آن راه ما را به پیشرفتهای علمی



سریع کاملاً مجهز کند. علاج هم فقط به این است که جوانان، بخصوص جوانانی که اهل علم و تحصیل و تحقیق هستند، به کار سخت پردازند»
(در دیدار با جوانان، به مناسبت هفته جوان)

دانشجو، مشترکاً و یا به طور دسته جمعی انجام داده اند، به مرحله ی اجرا و عمل می رسد؟ آیا به این وسیله، دانشگاه ما، دانش ما و رتبه ی تحقیقاتی ما رشد میکند یا نه؟»
(۲۶/۹/۱۳۸۳).

«دو سر فصل را هم مطرح کنم که در صحبت های خود اگر به اینها توجه کنید و درباره ی اینها هم سخنی بگویید، خوب است:

یکی عبارت است از راه حل عملگرا تر شدن و کارآمدتر شدن پژوهش و تحقیق در کشور؛ چه از سوی استادان و برگزیدگان، و چه از سوی دانشجویانی که در دانشگاه ها، پایان نامه هایی را می نویسند. حین تحصیل یا در پایان تحصیل، از سوی دانشجو و استاد، ساعت های بسیار ذی قیمتی صرف تهیه ی یک پایان نامه یا یک پژوهش در دانشگاه میشود. آیا گزینش این عناوین، حساب شده و در جهت نیازهای کشور است؟ آیا محصول پژوهش و تحقیقی که استاد و

